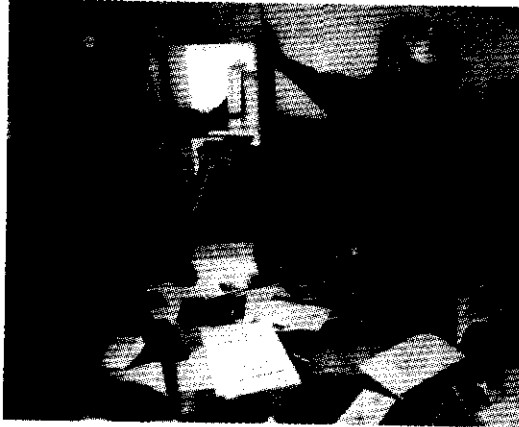


کتابخانه‌ها در افغانستان

نوشته: نانسی دوپری
ترجمه: زهرا حداد^۱



امروز توجه رسانه‌های جمعی جهان به نبود حکومت کارآر و از بین رفتن شبکه‌های خدماتی در افغانستان معطوف شده است. این تصاویر منفی موجب شده تا پیشرفت‌های مثبتی که در افغانستان رخ داده نادیده انگاشته شود؛ پیشرفت‌های مثبتی که حتی از سوی کمک‌دهندگان به این سرزمین گزارش نشده و عمدتاً مورد غفلت واقع شده است.

در میان این پیشرفت‌ها، نشانه‌های بارز فراوانی وجود دارد که از علاقه وافر مردم به کتابخوانی و مطبوعات حکایت دارد؛ علاقه و افری که نه تنها در شهرها - که چنین انتظاری به جا است - بلکه حتی در سرتاسر جمعیت روستایی و حومه شهرها نیز به چشم می‌خورد. اطلاع یافتیم که ۱۵۰۰ نسخه از یک مجله تنها در یک روز در شهر کوچکی در شمال افغانستان فروخته شده است سخن قابل توجه فروش است نه توزیع رایگان. این اطلاعات جالب و چشمگیر ما را به مؤسسه هماهنگی برای کمک به افغانستان، (ACBAR)^۲ و مرکز اطلاع‌رسانی و منابع افغانستان (ARIC)^۳ هدایت کرد تا نگاه عمیق‌تری به منابع قابل دسترس و مواد خواندنی داشته باشیم. در این میان پیامدهای مهمی نیز پدیدار شد:

اول: شبکه کتابخانه‌های کشور که قبل از آغاز جنگ فعال بود - اگر چه از منابع تهی شده است - ولی هنوز در بسیاری از مناطق مشغول به کار هستند.

دوم: جوامعی که از نظام آموزش رسمی پیش از جنگ محروم بودند، در حال حاضر خواهان مدرسه و مواد آموزش هستند، اما تعداد کمی کتاب درسی وجود دارد و حتی مواد خواندنی کمکی کمیاب است.

سوم: به تنها امر تولید بلکه توزیع و پخش مواد خواندنی نیز مورد توجه مطلوب و شایسته قرار نمی‌گیرد. برای ما مسلم بود که تحقیقی در جهت دستیابی به راهکارهای جدید، ضروری به نظر می‌رسد. اگر چه افغانستان کمترین نرخ باسوادان را در آسیا داراست، اما افغانی‌ها با احترام از کتابخانه‌های بزرگی یاد می‌کنند که روزگاری در دربارها در اوج شکوفایی بودند. هر کدام از این مجموعه‌ها به نوبه خود طی تاریخ پرتلاطم افغانستان مورد دستبرد و تخریب قرار گرفتند، علیرغم این موضوع، احترام به کتاب در جامعه افغان به عنوان میراثی گرانقدر باقی مانده است.

برنامه‌های نوین در افغانستان کتابخانه عمومی

در عصر حاضر در افغانستان، اولین کتابخانه برای استفاده عموم با نام کتابخانه ملی افغانستان در سال ۱۹۲۴ به دست شاهزاده نصرالله تأسیس شد. مجموعه آن از نسخ خطی تذهیب‌دار که برای عموم قابل دسترس بود تشکیل شد. طی جنگ داخلی ۱۹۲۹، این کتابخانه چپاول شد و بسیاری از کتاب‌های نفیس آن از بین رفت.

کتابخانه عمومی جدیدی در سال ۱۹۳۳ گشایش یافت و بیش از ۴۵ سال بعد، شبکه‌ای از حدود ۳۰ کتابخانه استانی تحت نظارت اداره کتابخانه‌های عمومی راه‌اندازی شد. مجموعه‌های این کتابخانه‌های ایالتی از نظر اندازه و کیفیت متفاوت بودند. این مجموعه‌ها فقط در شهرهای بزرگ عمدتاً مشتمل بر مجموعه‌هایی از روزنامه‌ها، مجلات و تعداد زیادی کتاب بودند.

در سال ۱۹۷۸ وقتی که حکومت پادشاهی سقوط کرد، حدود ده هزار جلد کتاب که از منازل خانواده سلطنتی و وابستگان به آنان بیرون آورده شده بود به همراه هزاران کتاب مصادره شده، دیگر توسط دولت کابل به کتابخانه‌های ایالتی و مرکزی انتقال داده شد. بدلیل آشوب‌های فراوان داخلی بسیاری از کتابخانه‌های ایالتی یا تعطیل بودند یا فعالیت بسیار کمی داشتند، با این همه سازمان کتابخانه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌داد.

در شهر کابل، از ۵ کتابخانه محلی، دو کتابخانه به طور کامل بسته شده و سه کتابخانه دیگر در سال ۱۹۹۳ در آستانه نابودی قرار گرفتند. معاون کتابخانه اصلی شهر تخمین زده است که، بعد از ۱۵ سال جنگ و یک سال حاکمیت رژیم مجاهدین، از مجموعه ۳۰ هزار عنوان کتاب، به زبان‌های فارسی، عربی، روسی و انگلیسی، حدود ۸ هزار جلد مفقود شده است.

اکثر خسارت‌ها و آسیب‌ها ناشی از سرقت و



غارت آشکار نیست. از زمان تغییر حکومت به سال ۱۹۹۲، محل کتابخانه به عنوان یک موضع نظامی مورد استفاده قرار گرفته است. اگر چه برخی از کتاب‌های گرانقیمت به وسیله افراد آگاه و اهل کتاب برده شد، اما اکثر کتاب‌ها مفقود شده به عنوان سوخت توسط سربازان برای گرم کردن و غذا پختن مورد استفاده قرار گرفته بود. اوضاع و شرایط کتاب‌های باقیمانده در کتابخانه اصلی شهر کابل نیز نگران‌کننده است. چون این مجموعه شامل بسیاری کتاب‌های کمیاب انگلیسی مانند کتاب‌های زیر است: اولین چاپ‌های سرالکساندر برنس (۱۸۴۲)، ستوان نیست ایر (۱۸۴۳)، جوشادک (۱۸۸۳)، دکتر جان گری (۱۹۰۱) و در میان این کتاب‌ها، یک سری از کتاب‌های انتشارات اتکینسون نیز وجود دارد (۱۸۴۲).

بخش نشریات ادواری در ساختمانی چسبیده به ساختمان اصلی قرار گرفته است. میزها انباشته از مجله‌ها و روزنامه‌های گرد و غبار گرفته است. در این کتابخانه چهار جلد دفتر ثبت دستنویس به چشم می‌خورد که شامل لیست کامل دارایی‌های سابق کتابخانه است که پرسنل شاغل با استفاده از آنها با مشقت مشغول بررسی و کنترل دارایی‌های به جای مانده هستند. ظاهراً از دوره انتشار دهه ۱۹۲۰ سه سال از مجموعه روزنامه امان‌ای افغان ناپدید شده است. مجموعه ۷ سال و نیم نشریه سراج الاخبار (۱۹۱۲ - ۱۹۱۱) دست نخورده و سالم پیدا شده است که این بخش نشریات کتابخانه روزانه ۲۰ تا ۲۵ نفر مراجعه کننده دارد. کتابخانه کودکان از یک اتاق کوچک تشکیل شده است روی میز وسط اتاق کتاب‌ها انباشته شده و برخی کتاب‌ها با بی‌نظمی در قفسه‌ها گذاشته شده است. امکان هیچ برآوردی از آنچه که برده‌اند، وجود ندارد. از زمان ورود طالبان به کابل در سال ۱۹۹۶

و در طی برقراری آرامش نسبی در این شهر، نظم به تدریج به این شهر بازگشته است. فقدان کارکنان آموزش دیده و عدم تخصیص بودجه کافی هرگونه توسعه و گسترش اساسی را محدود کرده است.

شرایط و اوضاع در ایالت‌ها متفاوت می‌باشد. در ماه اوت ۱۹۹۴، کتابخانه عمومی هرات صبح‌ها برای خانم‌ها و بعدازظهر برای آقایان باز بود. در مقایسه با سایر کتابخانه‌ها کلیه کتاب‌ها با دقت و نظم در قفسه‌ها جای داده شده بود و ۵ خانم کتابدار مشغول خدمت به مراجعان بودند. هیچ فهرست و سیاهه موجودی، وجود نداشت و دختران آموزش ندیده هیچ اطلاعی از آنچه که باید در مجموعه باشد نداشتند.

کتابخانه عمومی جلال‌آباد که در طی سال‌های ۱۹۹۴ - ۱۹۹۳ به مناسبت‌های مختلف مورد بازدید قرار گرفته بود، در شرایطی تأسف‌آور قرار داشت به طوری که پنجره‌ها بدون شیشه بود و کتاب‌ها بر روی میزهای پر از گرد و غبار انباشته شده بود. حدود یک هزار کتاب قدیمی به زبان‌های دری و پشتو و مجموعه‌های صحافی شده‌ای از روزنامه‌ها منجمله مجموعه‌ای از مجلات قدیمی به چشم می‌خورد. این مجموعه که باید مشوق پژوهشگران باشد ولی با این احوال حتی خوانندگان معمولی را هم جلب نمی‌کند. در محل زیرزمین، چاپخانه قدیمی وجود دارد که به یک موزه متعلق است. کلیه مدارک رسمی و روزنامه‌ها با استفاده از یک ماشین چاپ دستی به چاپ می‌رسد. در نوامبر ۱۹۹۴ ریاست کتابخانه نقطه نظر جالبی داشت که می‌گفت: می‌خواهد مردم را تشویق کند که به جای تفنگ کتاب بردارند. وی بودجه کافی برای تأمین منابع جدید در اختیار داشت اما دسترسی به منابع و امکانات نداشت. او میز داشت اما صندلی

نداشت. حمایت‌های مقطعی مسئولان از کتابخانه‌ها از مشکلات رایج بوده، و هنوز هم هست، که همه کتابداران را به ستوه آورده است. سرانجام نیز، با روی کار آمدن طالبان پرسنل کتابخانه‌ها به طور کامل جابجا شدند و در سال ۱۹۹۶ کتابداران با کمترین امکانات کتابخانه‌ها را باز نگه داشتند.

آرشیو ملی

در ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۴ آرشیو ملی با مجموعه متشکل از یک هزار سند اصلی در کتابخانه عمومی کابل به طور رسمی افتتاح شد. بعدها این اسناد به محل دایمی‌شان در یک کاخ بازسازی شده که حدود سال ۱۸۹۰ توسط شاهزاده حبیب... (که بعداً بین سال‌های ۱۹۱۹ - ۱۹۰۱ به امیری رسید) ساخته شده بود. انتقال یافت. زمانی که تصمیم گرفته شد که این بنا برای استفاده آرشیو نوسازی شود، بسیاری از قسمت‌های این ساختمان خراب شده بود. اقدامات بازسازی در نوامبر ۱۹۷۴ به طور رسمی آغاز و تا زمان کودتای ۱۹۷۸ کامل شد.

این ساختمان اکنون در شرایط مناسبی قرار دارد. و فقط زخم اصابت یک راکت کوچک را بر پیکر خود دارد و تاکنون چیزی از آن غارت نشده است. مجموعه جالب آرشیو ملی که شمار اسناد آن تا سال ۱۹۷۸ به ۲۰ هزار عنوان می‌رسید شامل اسناد خطی تذهیب شده متعلق به قرون ۱۶ و ۱۷ است.

بعد از کودتای ۱۹۷۸ شمار زیادی از کتاب‌ها و مدارک جمع‌آوری شده از منازل خاندان سلطنتی معزول به آرشیو ملی سپرده شد. آرشیو ملی به امکانات میکروفیلم مجهز شده است. البته معلوم نیست که این تجهیزات میکروفیلم چه وضعیتی دارند و این کار تا چه حد پیشرفت کرده است.



کتابخانه‌های دانشگاهی

چند ماه قبل از کودتای ۱۹۷۸، آرشیو ملی قرارداد خرید مجموعه عکس‌های فصل انگور سردار خلیل... عنایت سراج را که شامل ۳ هزار عکس قدیمی مربوط به سال‌های ۱۹۲۹ - ۱۸۸۰ بود منعقد ساخت. نمونه چاپی عکس‌ها فهرست شده است. در هر صورت از زمان وقوع کودتا تاکنون عکس‌های اصلی مجموعه سردار خلیل... عنایت سراج، عملاً به آرشیو ملی تحویل نشده و محل آنها در حال حاضر شناسایی نشده است.^۴

ساختمان آرشیو ملی از سال ۱۹۹۳ بسته و پلمپ شده و وضعیت نسخه‌های خطی معلوم نیست. کارتن‌های اسناد موجود در آرشیو تنها شامل فتوکپی نسخ خطی منتخب است. گفته می‌شود نسخه‌های اصلی با ایمنی تمام در زیرزمین نگهداری می‌شود که در هر حال امکانات کنترل وضعیت هوای آنجا از چند سال قبل متوقف شده است. شایعات تأیید نشده‌ای حاکی است که بیشتر مجموعه اسناد ناپدید شده است.

چندین جلد کتابشناسی به چاپ رسیده است از جمله فهرستی از اسناد تاریخی (۱۹۸۵)، نسخ خطی پشتو (۱۹۸۶)، قرآن (۱۹۸۷) و نسخ خطی (۱۹۸۸). به طور کلی کار بررسی و کنترل مجموعه اسناد حداقل بعد از فک پلمپ درهای ساختمان آرشیو ملی امکان‌پذیر است. طرح پیشنهادی برای کسب مساعدت و کمک بین‌المللی به منظور دستیابی به وضعیت فعلی نسخ خطی با موفقیت مواجه نبوده است و بیم آن می‌رود که برداشتن مهر و موم از آرشیو ملی مجموعه اسناد را با خطر زیان‌های بیشتر مواجه سازد. آسیب ناشی از رطوبت، فقدان هوا و وجود حشرات احتمالاً مجموعه را بیشتر تهدید می‌کند.

در سال ۱۹۹۵ شمار دانشگاه‌های فعال افغانستان به شش می‌رسید. اگر چه همه این دانشگاه‌ها از نعمت کتابخانه بهره‌مند بودند اما همگی به طور اسف‌انگیزی خارج از رده بودند و هیچکدام بودجه‌ای برای تحصیل منابع جدید در اختیار نداشتند. کتابداران آموزش دیده بسیار کم در دسترس بودند. حتی برای استفاده از منابع خارج از رده نیز کسی برای راهنمایی دانشجویان وجود نداشت. کتاب‌ها اغلب روی میزها و کف اطاق درهم و برهم و با بی‌نظمی کامل زیر لایه‌هایی از گردوغبار انباشته شده‌اند. کتاب‌ها به شکل واژگون پشت و رو در قفسه‌ها چیده شده است. درست مثل کاری که در کتابخانه عمومی کابل صورت می‌گیرد که باعث خم شدن عطف کتاب و شکستن آن می‌شود.

کتابخانه دانشگاه کابل به طرز فجیعی آسیب دیده است. یکی از کتابداران حرفه‌ای این کتابخانه که قبل از جنگ به استخدام در آمده بود، تخمین زده که ۵۰ درصد از مجموعه واقعاً بزرگ این کتابخانه مورد چپاول قرار گرفته یا در اثر حملات موشکی آتش گرفته و سوخته است. گزارش‌هایی حاکی است که این میزان ۱۵۰ هزار جلد کتاب و شش هزار نسخه مجله بوده است. بخش سمعی و بصری که سابقاً با تجهیزات فنی با کیفیتی کار می‌کرد، لایر اتوار عکاسی و نیز بخش‌های فهرست‌نویسی و صحافی کاملاً غیرقابل استفاده و ویران شده‌اند. دستگاه‌های تهویه هوا و گرمایش، میلان، قفسه‌ها، سرویس‌های بهداشتی، تجهیزات آشپزخانه، وسایل روشنایی و حتی پلکان فلزی به طور کامل غارت شده بود. نیازی به گفتن نیست که بخش انتشارات و مرکز تحقیقات این دانشگاه که زمانی پر رونق بود اکنون از فعالیت باز ایستاده است.

تخریب دانشگاه کابل به قدری تکان‌دهنده بود که حتی نمی‌توان آن را با خرابه‌های مؤسسه پلی‌تکنیک کابل که با کمک روس‌ها در مه ۱۹۶۹ افتتاح شده بود مقایسه کرد. کتابخانه پلی‌تکنیک کابل زمانی دارای ۶۸ هزار جلد کتاب بود.

کتابخانه دانشکده پزشکی جلال‌آباد که زمانی ۷ هزار عنوان کتاب داشت در سال ۱۹۹۳ تنها ۲ هزار عنوان از آنها باقی مانده بود که در شرایط اسف‌انگیزی قرار داشت و آنچه باقی مانده بود، کتب تاریخ گذشته و تعداد زیادی کتب انگلیسی بودند. دانشجویان اظهار ناراضی می‌کردند که یافتن کتاب در این هرج و مرج و بی‌نظمی غیرممکن است؛ اکثر کتاب‌ها به امانت فروشی‌ها در شهر پیشاور راه پیدا کرده است.

یک دوره آموزش یک ماهه از سوی مرکز منابع و اطلاعات افغانستان برای نگهداری اموال برگزار شد. ظاهراً مقامات افغان بیشتر مایل بودند تا نوسازی‌های پرخرج فیزیکی در ساختمان انجام شود تا بتوانند از کشورهای عربی هزینه آن را دریافت نمایند. یکسال بعد، کتابخانه‌ای که در نوع خود جدید بود آماده بهره‌برداری شد. در هر حال کتابداران آموزش دیده برای کار در این کتابخانه جدید وجود نداشت.

کتابخانه دانشگاه اسلامی نینگرهار در جلال‌آباد حدود ۱۸ هزار جلد کتاب و تک نگاشت و ۸ هزار نسخه نشریات ادواری اختصاصی داشت که هزینه آن با دست و دلبازی از سوی ایالات متحده در دهه ۱۹۶۰ فراهم شده بود. در سال ۱۹۹۵، هنوز نسخ متعددی از کتب درسی علمی گرانقیمت دست نخورده و تمیز در قفسه‌ها قرار داشت و هرگز مورد استفاده قرار نگرفته بود. چنین وضعیتی بعدها در مورد کتاب‌های روسی نیز پیش آمد. این نسخ متعدد که در بعضی موارد به ۲۰ نسخه می‌رسید و می‌بایستی بین دانشجویان و استادان دست به



دست می‌گشت مسکانه تحت‌الحفظ متولی ساختمان قرار داشت. این مشکل انبارداری سال‌ها است که به نظام حکومتی نفوذ کرده است.

در گذشته برنامه‌های مبادله اطلاعات با کتابخانه‌های بین‌المللی از جمله: کتابخانه کنگره، لنینگراد، تهران و کتابخانه‌های دیگر پر رونق بود. این برنامه‌ها دیگر فعال نیستند. جایگزینی و روزآمد کردن مواد در همه کتابخانه‌ها به خصوص در دانشگاه‌ها یک ضرورت و نیاز فوری است. احتمالاً روش‌های متداول کافی نیست و به طور مسلم بسیار گران تمام خواهد شد. بالاخره روش‌های اطلاع‌رسانی الکترونیکی مدرن، حتی اگر زمان زیادی طول بکشد، باید در سراسر سیستم در نظر گرفته شود.

مشکل بسیار مهم منابع انسانی متخصص و حرفه‌ای نیز باید حل شود. زیرا آموزش یک نیاز فوری برای آینده خواهد بود. شمار اندکی از کتابداران قبلاً خارج از کشور تحصیل می‌کردند و تعدادی دوره‌های مقدماتی برای کتابداران در دانشگاه کابل و مرکز تربیت معلم برگزار می‌شد. اکثر اینگونه دوره‌های تخصصی و نیمه تخصصی در طول جنگ کنار گذاشته شد.

کتابخانه‌های سازمانی و وزارتخانه‌ای

کلیه وزارتخانه‌ها و سایر سازمان‌ها از وجود کتابخانه بهره‌مندند. کتابخانه موزه کابل، موزه هرات، انجمن تاریخ و بسیاری مراکز دیگر از همان آسیب‌هایی که ذکر شد مصون نبودند و نیاز به مراقبت دارند.

موزه هرات در سال ۱۹۹۴ در یک ساختمان جدید افتتاح شد. از مشاهدات اجمالی در ماه اوت ۱۹۹۴ به نظر رسید که بیش از یکصد نسخه خطی عالی، بعضی با نقوش مینیاتوری، قرآن و برخی با تذهیب و طلاکاری به سادگی به نمایش

گذاشته شده بود. از مواردی که به نمایش گذاشته شده می‌توان به طومار چرمی دست‌نویس تورات اشاره کرد. کلیه نسخ خطی مورد آسیب کپک، لکه‌های آب و رطوبت قرار گرفته است. در آنجا هیچ فرد آگاهی وجود ندارد و به نظر می‌رسد لیست موجودی رسمی وجود ندارد. در این محل، اجرای عملیات حفاظتی کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

ساختمان دانشکده پشتوی کابل که از سال ۱۹۶۷ بخشی از دانشکده علوم افغانستان شده توسط آتش راکت از بین رفته است. هم اکنون این دانشکده در کنار ساختمان اداری قرار دارد و بخش مرجع کتابخانه آن در حال بازسازی است اما فقدان بودجه مانع از اجرای این امر شده است. تعداد زیادی از کتابشناسی‌ها توسط سازمان‌های عضو آکادمی گردآوری شدند.^۵

در سال ۱۹۹۳، کتابخانه مرکز تربیت معلم جلال‌آباد در میان چهار کتابخانه فعال این شهر بهترین عملکرد را داشت. مجموعه کتاب‌های این کتابخانه عالی ولی منسوخ و قدیمی است که عمدتاً از سوی بنیاد آسیا در دهه ۱۹۶۰ تهیه شده است. این کتابخانه مورد سرقت و چپاول قرار نگرفته بود و مسؤلیت حفاظت از آن به عهده متولی آموزش ندیده، ولی مشتاق سپرده شده بود. او بهترین کارآموز دوره آموزش یک ماهه‌ای بود که از سوی مرکز منابع و اطلاعات افغانستان برگزار شد. اما وی مانند سایر کتابداران تعلیم دیده بعد از ورود طالبان در سال ۱۹۹۶ جابجا شد.

در کابل هر وزارتخانه کتابخانه‌ای دارد که شامل اسناد فوق‌العاده مهمی است. در این مجموعه‌ها متأسفانه سرقت‌های بزرگی رخ داده است. در طی چندین دوره انتقال حکومت، زمانی که وزارتخانه‌ها کم و بیش تحت اشغال بودند و سیستم گرمایی در داخل ساختمان‌ها

وجود نداشت نگهبانان موظف، به دلیل نبودن چوب از این اسناد به عنوان سوخت در بخاری‌های هیزمی استفاده می‌کردند. اسناد دیگر به صورت فله برای ساخت پاکت و استفاده مغازه‌داران در بازار فروخته می‌شد. کتاب‌های به غارت رفته از کتابخانه‌ها نیز برای همین منظور پاره پاره می‌شد.

کتابخانه‌های خصوصی

در کابل کتابخانه‌های جالب بسیاری وجود داشت که متعلق به اشخاص بود. بعد از کودتای ۱۹۷۸ تعدادی از کتابخانه‌های شخصی مصادره و در مکان‌های مختلف مانند آرشیو ملی پخش شد. بعضی سرقت و چپاول شدند و مقدار کمی هنوز در کابل باقی مانده است. برخی دیگر از این کتابخانه‌های شخصی توسط صاحبانشان به خارج از کشور منتقل شده و یا قطعه قطعه به مشتریان فروخته شدند و با برای کسب درآمد ناچیزی در کنار خیابان به فروش رسیدند. مرکز منابع و اطلاعات افغانستان تعدادی از این کتاب‌ها را خریداری کرد، مخصوصاً آن دسته از کتاب‌هایی که توسط نویسندگان افغانی منتشر شده بود و دیگر در هیچ جایی قابل دسترس نبود. احتمالاً آنها به افغانستان بازگردانده خواهند شد. اما ARIC بودجه‌ای برای خرید مجله‌های گرانقیمت در اختیار ندارد. اینگونه کتاب‌ها به سرعت در حال ناپدید شدن هستند. اغلب آنها را خریداران خارجی مانند کتابخانه کنگره و مرکز فرهنگی ایران که در مقادیر زیاد خرید می‌کنند، می‌خریدند.

طالبان تلاش کردند که خروج کتاب از افغانستان را متوقف کنند. طالبان انبارهای مخفی بسیاری را در منترز پاکستان مصادره کردند. هم‌چنین گزارش‌هایی درباره پاکسازی کتابخانه‌ها توسط طالبان وجود دارد. آنان آثار مذهبی منتشر



شده در پاکستان، ایران و عربستان سعودی را جانشین کرده‌اند. در نوامبر ۱۹۹۷ سفیر ایران و فرستاده دائم در یونسکو، طالبان را به سوزاندن ۵۵ هزار جلد کتاب از جمله نسخ خطی کمیاب در شهر صنعتی کوچک پل خمیری در شمال دامنه کوه‌های هندوکوش متهم کرد. مدیرکل سازمان یونسکو این اقدام طالبان را متهم ساخت. به هر صورت حقایق امر اصلاً روشن نیست. یقیناً نیازی واقعی به انجام بررسی‌های جدی از سوی متخصصان در همه کتابخانه‌های افغانستان، وجود دارد.

کتابخانه‌های افغانی در پیشاور پاکستان

در طی سال‌های جنگ، مقادیر عظیمی از مجموعه اطلاعات، انتشارات و شبکه توزیع در پاکستان موجود بود. هر حزب سیاسی بخش روابط عمومی فعالی داشت، اما تعداد کمی از این احزاب کتابخانه داشتند یا حتی تلاش می‌کردند تا سابقه‌ای از آنچه که منتشر می‌کنند نگه دارند. شورای فرهنگی مقاومت افغانستان مستقر در اسلام‌آباد که بخش عظیمی از هزینه‌های آن را دولت امریکا تأمین می‌کند، دارای مجموعه عظیمی از مطالب چاپی حزبی و همچنین انتشارات مربوط به حزب است. شورا یک کتابشناسی در سال ۱۹۸۶ به چاپ رساند. فعالیت‌های این شورا بلافاصله پس از اشغال کابل به دست مجاهدین در سال ۱۹۹۲ متوقف شد و متعاقباً مجموعه‌ها به مرکز فرهنگی و اطلاع‌رسانی عرفان انتقال یافت. IRFAN یک سازمان غیردولتی افغانی (NGO) در پیشاور است که کتابخانه‌ای حدود ۶ هزار جلدی دارد. به علاوه کانون نویسندگان آزادی افغانستان (WUFA) فهرستی از انتشارات جهادی (Jehadi) را منتشر کرد و اریک نیز مجموعه نسبتاً بزرگی از

مجلات، روزنامه‌ها و پوستره‌های خوبی خریداری کرد. کلیه سازمان‌های NGO در دانشگاه پیشاور و دفاتر سازمان ملل در اسلام‌آباد کتابخانه‌های مخصوص به خود دارند. مدت زمانی است که سازمان منابع و اطلاعات افغانستان در تلاش است تا پایگاه داده‌های مشترکی را برپا سازد. از آنجاکه دفاتر شخصی کند کار می‌کنند و شاید هم برای دادن رونوشت از فهرست اسناد خود بی‌میل و رغبت نباشند از اینرو انجام چنین امری دشوار و با صرف وقت همراه است.

احتمالاً فعالترین و پرکارترین کتابخانه‌ها در پیشاور متعلق به مؤسسه آموزشی سنایی است. مرکز آموزش زبان انگلیسی این مؤسسه در کابل محل فعالیت شلوغی است که در حال حاضر ۱۷۰۰ دانش‌آموز (۳۵۰ نفر دختر) در آن مشغول به تحصیل هستند. تا به حال از این مرکز ۴۳۳۰ نفر فارغ‌التحصیل شده‌اند، (۹۷۰ نفر دختر) هر دو بخش پسران و دختران کتابخانه مختص به خود دارند؛ کتابخانه بخش پسران ۲۶۰۰ جلد و کتابخانه بخش دختران ۳۰۰۰ جلد دارد. ضمناً این مراکز کتابخانه‌ای بودجه نسبتاً خوبی را برای خرید کتاب‌های بیشتر دریافت کرده‌اند. مؤسسه آموزشی سنایی نیز در افغانستان، در روستای راماکا در ایالت غزنه صاحب کتابخانه‌ای با ۶۰۰ جلد کتاب است.

مرکز اسلامی، فرهنگی افغانستان که در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد دارای مجموعه‌ای مشتمل بر ۶ هزار سند است که شامل موضوعاتی در زمینه اسلام، تاریخ، ادبیات و شعر است و به زبان‌های دری، پشتو، عربی و بعضاً انگلیسی است. هم‌چنین تعدادی کتابخانه‌های اختصاصی مانند فیضیانی وجود دارد که صاحب مجموعه ۵ هزار اثر به زبان دری، پشتو، عربی و انگلیسی است که وقف نوشته‌های علامه فیضیانی و

موضوعات مذهبی شده است.

و بالاخره مرکز مطالعه منطقه‌ای (اسیای مرکزی) در پیشاور دارای مجموعه‌ای نفیس از ۱۳۵۰۰ جلد کتاب و ۶۰ مجله گوناگون است که بسیاری از آنها مربوط به افغانستان است. مجموعه روزنامه‌هایی از افغانستان وجود دارد که بسیار فوق‌العاده و چشم‌گیر است.

ARIC (مرکز منابع و اطلاعات افغانستان)

مرکز اطلاع‌رسانی و منابع ACBAR در پیشاور به عنوان جامع‌ترین و متمرکزترین پایگاه داده‌های مطالب منتشره درباره افغانستان در منطقه شناخته شده است. اریک در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد و توسط ۵ کارمند و یک مشاور اداره می‌شود. از جمله فعالیت‌های این مرکز جمع‌آوری و انتشار اسنادی است که از سوی تمامی کمک‌دهندگان به افغانستان و از سوی پناهندگان افغانی در پاکستان، هم‌چنین همه اعضای سازمان ملل متحد در افغانستان تهیه می‌شود. اریک خبرنامه ماهانه‌ای منتشر می‌کند با عنوان ARIC Bulletin که تازه‌های خود را در آن به چاپ می‌رساند و به کتابخانه‌های اروپا، اسکندیناوی، ایالت متحده و استرالیا می‌فرستد. مجموعه اریک حاوی کتاب‌ها، گزارش‌ها، روزنامه‌ها و مجلات است که شامل مجموعه قابل توجهی از انتشارات مجاهدین، نقشه‌ها و پوسترها و مطالب گذار مثل تقویم با مضمون افغانی است. این مرکز هم‌چنین یک بخش مرجع دارد. تا ژانویه ۱۹۹۹ مجموعه دارای ۷۷۳۹ عنوان بود: ۴۲۳۷ اثر به زبان انگلیسی، ۲۳۸۷ به زبان دری، ۹۰۵ اثر به زبان پشتو و ۲۱۰ اثر دیگر. به زبان‌های فرانسه، آلمانی، سوئدی و نروژی. نظام فهرست‌نویسی با روش کتابخانه‌کنگره و اقتباس از سرعنوان موضوعی انجام می‌شود.



نسخ چاپی از فهرست کتاب‌های کتابخانه برای آن دسته از کسانی که به رایانه دسترسی ندارند، مهیا شده است. پایگاه داده‌های کتابشناسی اریک نیز بر روی لوح فشرده قابل دسترسی است. این پایگاه برای دستیابی از طریق شبکه نیز در حال پردازش است.

اریک دوره‌های کوتاه‌مدت برای نمایندگی‌های سازمان ملل و سازمان NGO برگزار می‌کند، هدف از برگزاری این دوره‌ها، آن است که نظام اطلاع‌رسانی را در حد امکان استاندارد کند، به طوری که همه منابع بتواند به سهولت در دسترس کاربران که از سازمان ملل متحد، دانشجویان، محققان پاکستانی، دانشجویان بازدیدکننده، روزنامه‌نگاران و جامعه افغانستان می‌آیند، قرار گیرد.

پروژه ABL^۷: کتابخانه‌های سیار

مطالعات تاریخی نشان داده که شبکه کتابخانه‌های افغانستان پیش از جنگ از نظر مقدار و تنوع قابل توجه بوده است. در هر حال این شبکه پاسخگوی حجم کثیر جمعیتی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، نیست. این جمعیت روستایی نه تنها شدیداً بی‌سوادند بلکه در بسیاری از مناطق نسبت به آموزش غیرمذهبی بی‌تفاوت و حتی شدیداً مخالفند، علیرغم اینکه توجه برای آموزش و یادگیری و کتاب متداول است.

اگر چه مخالفت با تعلیم و تربیت مدرن و امروزی بعد از سال ۱۹۷۸ شدت یافت ولی از آنجا که روس‌ها نظام را شدیداً شورایی کردند، این نوع برخورد طی سال‌های دراز تبعید تغییر یافت. آنها در بازگشت به وطن احساس نیاز کردند و در جست‌وجوی مواد خواندنی برآمدند. با این تلاش‌ها بودجه برنامه‌های آموزش بزرگسالان و ابتدایی مشتاقانه تأمین شد. زیرا

این برنامه نسبتاً ارزان و برای برنامه‌های کوتاه‌مدت مناسب بودند ولی این برنامه‌ها عملاً در بسیاری موارد بلااستفاده ماند چون فارغ‌التحصیلان مطالبی برای مطالعه و به منظور پیگیری و ادامه مهارت‌های کسب شده تازه خودشان به دست نمی‌آوردند.

نیاز به جمع‌آوری اطلاعات خواندنی هنوز به طور کامل درک نشده است. اگر چه تا به حال مقداری اطلاعات خواندنی در حال چاپ است که آن هم واقعاً کافی نیست هنوز نظام توزیعی برای مناطق تعیین شده، وجود ندارد.

برای حل این مشکل، اریک در سپتامبر ۱۹۹۶ طرح (ABLE)، طرح توسعه و گسترش کتابخانه سیار اریک را با همکاری سازمان ملل و سازمان NGO به راه انداخت.

مدیریت اکثر سازمان‌های NGO به دست افغان‌ها است. وزارت فرهنگ و اطلاعات و انجمن صلیب سرخ افغان نیز شرکای فعال در این طرح هستند.

هر کتابخانه سیار شامل یک صندوق مستقل ساخته شده از آهن گالوانیزه محکم به ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر و پهنای ۴۸ سانتی‌متر و عمق ۳۰ سانتی‌متر است. درب صندوق از طول باز می‌شود و دو طبقه دارد. به طوری که به قفسه چینی نیازی نیست. در ابتدا هر صندوق تقریباً ۲۰۰ جلد کتاب درسی، پشتو، مجلات، جزوه، پوستر با موضوعات مختلف در بر دارد. مدیریت، کشاورزی، بهداشت مادر و نوزاد، بهزیستی، حیوانات، اسلام، تاریخ، ادبیات، طنز، داستان‌های کودکان، بازی و ساخت وسایل بازی و زمینه‌های متنوع شغلی مانند نجاری و بنایی از جمله این موضوعات است. هدف نه تنها فراهم کردن مواد آموزشی است بلکه نشر این سخن است که مطالعه سرگرم‌کننده است.

تا شروع سال ۱۹۹۹ تعداد ۳۰ کتابخانه سیار

وجود داشت. این کتابخانه‌ها در ۲۲ ایالت از ۳۲ ایالت و با مجموعه بیش از ۳۳۱ عنوان (۹۲۳۶ جلد کتاب و مجله) در گردش مشغول به فعالیت بودند. این مجموعه‌ها به طور مرتب روزآمد شده و معمولاً هر بار ۲۰۰ - ۱۵۰ کتاب به این تعداد افزوده می‌شود. این کتابخانه‌ها در محل‌های مختلفی قرار گرفته‌اند از جمله در مدارس، درمانگاه‌ها، مراکز اجتماعی، کتابخانه‌های عمومی، دانشگاه دور افتاده پایه، یتیم‌خانه‌ها، مساجد و مغازه‌های بازار. متولیان این کتابخانه‌ها در رشته‌های متفاوتی تحصیل کرده‌اند ولی هیچ یک از آنها کتابدار آموزش دیده نیستند. سرپرست ABLE این نو کتابداران را با رموز دفتری و گزارش‌نویسی آشنا می‌سازد.

از گزارش‌های دریافت شده می‌توان دریافت که حداقل ۲۲۰۷۴ مورد امانت انجام شده است احتمالاً تعداد استفاده‌کنندگان می‌تواند با اطمینان دو برابر و یا بیشتر باشد چونکه تعداد زیادی از گزارش‌های ۱۹۹۸ هنوز به دست ما نرسیده است. طبعاً شور و اشتیاق نسبت به موضوعات مختلف کتاب‌ها با توجه به شهری یا روستایی بودن متغیر است.

یکی از همکاران با روشی خلاق برای زنان پیشنهادی ارائه داد. چون صندوق‌های سیار کتابخانه‌ها را در محل‌هایی که به طور معمول زنان در آنجا تردد نمی‌کنند قرار داده‌اند از اینرو سازمان NGO نسخه‌هایی از فهرست‌هایی که هر کتابخانه در هر نوبت از کتاب‌های جدید تهیه می‌کند منتشر می‌سازد. زنان فهرست کتاب‌ها را بررسی کرده و کتاب‌های مورد درخواست خود را از طریق اعضاء مذكر خانواده تهیه می‌کنند.

اکثر استفاده‌کنندگان این سیستم، دانش‌آموزان و معلمان هستند. نیروهای فنی چون رانندگان تراکتور، مغازه‌داران، کشاورزان، مقامات رسمی محلی و کارمندان سازمان NGO



سازمان‌های غیردولتی که به افغانستان و پناهندگان افغانی در پاکستان کمک می‌کند.

3. Afghanistan Resource and Information Centre.

۴. نگارنوی‌های به دست آمده از عکس اصلی توسط لوسیس دویری به ایالات متحده منتقل شده که در آنجا فایبل دسترسی است. فقط قسمت جزئی فهرست فتوکپی شده است؛ مجموعه عکس‌های فصل انگور سردار خلیلی... عنایت سراج، نانسی اچ دویری، شورای افغانستان، انجمن آسیا، نیویورک ۱۹۷۹، ص ۱۷.

۵. آکادمی در ۱۵ اکتبر ۱۹۶۷ تأسیس شده که شامل انجمن تاریخ، بخش دایرةالمعارف آریانا، مؤسسه انتشار کتاب، بخش کتابخانه‌های عمومی، هیأت جوایز به ناشران (نشر) است. این آکادمی تحت اختیار وزارت فرهنگ و اطلاع‌رسانی است.

6. Non Governmental Organizations

7. The ARIC Box Library Extension

۸. آموزش مقدماتی پناهندگان افغانی، یک NGO است که توسط آلمان تأمین بودجه شده است.

آوردن زمینه راهنمایی و کمک به کسانی است که مایلند الگوی اریک استفاده کنند. در این مرحله ظاهراً بسیار خوب عمل شده است.

تعداد زیادی از اردوگاه‌های به طور مستقل کتابخانه تأسیس کرده‌اند. طرح آموزش مقدماتی پناهندگان افغانی (BEFAR)^۸ دارای ۶ کتابخانه سیار در اردوگاه‌های پناهندگان در اطراف پشاور است و قصد دارد تعداد آنها را به ۲۶ کتابخانه افزایش دهد، سازمان حمایت کودکان ایالات متحده امریکا و دفتر طرح برنامه توسعه خدمات سازمان ملل، تا پایان سال ۱۹۹۹ برای قرار دادن ۱۲۰ صندوق کتابخانه در اردوگاه‌های پناهندگان و در داخل افغانستان برنامه‌ریزی کرده است. علاوه بر این، تعدادی از گروه‌های پناهندگان به طور مستقل کتابخانه‌هایی تأسیس کرده‌اند.

این تلاش‌ها محیط آموزشی را تقویت خواهد کرد. امید است که پس از استقرار صلح در منطقه، بنیان‌های شبکه اطلاع‌رسانی ملی شکل گیرد. جوامع افغانی بخوبی به این امر پاسخ داده‌اند ما نباید آن‌ها را مأیوس کنیم.

نیز به عنوان استفاده‌کنندگان این سیستم به شمار می‌آیند. نیروهای حرفه‌ای که به دلیل شرایط فزاینده ناسازگاری زندگی در شهرها به روستاهایشان بازگشته‌اند به علت فقدان اطلاعات خواندنی با ناکامی مواجه شده‌اند. آنها در مورد خدمات فوق‌العاده سپاسگزار و قدردان هستند. گروه خوانندگان بسیار متنوعند و سطوح مطالعه آنان بسیار متفاوت است.

کتاب‌های مورد نیاز ABLÉ در بازار از آژانس‌های سازمان ملل و NGO خریداری و یا از مجموعه اریک فتوکپی می‌شود. اما کتاب‌های مناسب و خوب به سختی پیدا می‌شود. از اینرو ABLÉ پیگیر فعالیتی حمایتی، برای تشویق شرکت‌ها و اهداءکنندگان به تولید بیشتر اطلاعات است.

اشخاص بدبین به این طرح پیش‌بینی می‌کنند که با اجرای امانت کتابخانه ABLÉ بزودی یقیناً خسارت‌های زیادی را مانند سرقت‌های کلان تجربه می‌کنند و در نتیجه بزودی بدون کتاب خواهند ماند. هیچکدام از این پیش‌بینی‌های نگران‌کننده به واقعیت نمی‌رسد، هر کتابی حاوی یادداشتی خطاب به خواننده است با این مضمون که هر کتاب متعلق به جامعه است و باید محافظت شود و برای استفاده سایر اعضا به موقع عودت گردد. به نظر می‌رسد اینگونه برخورد مؤثر باشد.

به منظور حفظ کتابخانه‌های ABLÉ، همواره از اعضا خواسته می‌شود تا درخواست‌هایشان را ارسال دارند تا از این راه مسئولان انتشارات کتابخانه بتوانند موضوعاتی را که تاکنون در دسترس نبوده تهیه کنند.

اریک برای ازدیاد بیشتر این سی صندوق، مکان، پرسنل و بودجه کافی در اختیار ندارد. مرحله بعدی این طرح تعمیق مطالعات استفاده‌کنندگان در زمینه، مدیریت و فراهم

منابع

1. Dupree, Nancy. Libraries in Afghanistan, *International Preservation News*, (No 19, July, 1999) PP. 20-27.

یادداشت‌ها

۱. کارشناس کتابداری کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
2. Agency Coordinating Body for Afghan Relief. گروهی از

